

ضمانت اجرای قانون مدنی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی

مرتضی امیری^۱، مصطفی عامری سیاهویی^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، واحد قشم

^۲ دانشیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قشم

چکیده

در این مقاله برآنیم به بررسی نقش و تاثیر ضمانت اجرای قانون مدنی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی پردازیم. از این رهگذر با شیوه ی توصیفی و تحلیلی و با ابزار کتابخانه ای به بررسی ضمانت اجرای قانون مدنی و هدف های مترتب بر تصویب قانون مدنی، که همانا ساماندهی و نظم بخشیدن به روابط مالی و غیر مالی میان اشخاص در جامعه و بالتبع پیشگیری از آسیب های اجتماعی است؛ پرداخته ایم. یافته ها بیانگر این است که هر چند جبران خسارت مهمترین هدف حقوق مدنی در ارتباط با زیان دیده است، اما تنها هدف نیست و در کنار این غایت اصلی، حقوق مدنی در بازدارندگی واردکنندگان زیان و پیشگیری از وقوع آسیب های اجتماعی در آینده نیز مؤثر است. نقش قانون مدنی هم از منظر پیشگیری و هم با رویکرد کنترلی در قالب ضمانت اجرای پیش بینی شده در قانون حائز اهمیت است و باید از طریق کارکرد بازدارنده مسئولیت مدنی، اشخاص را مکلف به احتیاط و پیش بینی ضرر نمود. گستره ی پیشگیری از آسیب های اجتماعی در قانون مدنی شامل؛ پیشگیری از خطرات زیست محیطی مانند آلودگی آبها و آلودگی مناطق وسیعی از کره زمین به دلیل تشعشعات اتمی، خطرات بهداشتی مانند خون آلوده، جنون گاوی، خطرات ژنتیک و فاجعه های تکنولوژیک، آسیب های جدید و خانمان سوزی دیگری نظیر روابط بین دو جنس (سایبرسکس) در فضای مجازی، اعتیاد به اینترنت، آسیب های فضای مجازی و اینترنت برای کودکان، دزدی هویت در فضای مجازی، تجاوز به حریم خصوصی از طریق فضای مجازی و فناوری های ارتباطی، دوستی ها و ازدواج های اینترنتی و به دنبال آن افزایش آمار طلاق، تحریک پذیری جامعه به هنجار شکنی اجتماعی (مانند کشف حجاب)، تغییر دیدگاه ها و تمایل به رفتار های پارافیلیایی (اختلالات جنسی) مرتبط با بهره گیری از تلفن همراه و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای و سایر آسیب هایی است که از طریق آن، افراد و جامعه در معرض خطر قرار می گیرند.

واژه های کلیدی: قانون مدنی، ضمانت اجرا، پیشگیری از آسیب های اجتماعی

مقدمه

توسعه زندگی ماشینی و پیشرفت های گسترده صنعتی، اگرچه استانداردهای زندگی را ارتقا و افق ها و امکانات جدیدی را فراروی بشر گشوده، اما خطرات و حوادث جدیدی را هم پدید آورده که حیات بشر و کل مجموعه هستی را با تهدیدی جدی مواجه نموده است. (ریترز، ۱۳۹۳: ۱۲۱) از اواخر قرن بیستم، خطرات زیست محیطی مانند آلودگی آبها و آلودگی مناطق وسیعی از کره زمین به دلیل تشعشعات اتمی، خطرات بهداشتی مانند خون آلوده، جنون گاوی، خطرات ژنتیک و فاجعه های تکنولوژیک، آسیب های جدید و خانمان سوزی دیگری نظیر روابط بین دو جنس (سایبرسکس) در فضای مجازی، اعتماد به اینترنت، آسیب های فضای مجازی و اینترنت برای کودکان، دزدی هویت در فضای مجازی، تجاوز به حریم خصوصی از طریق فضای مجازی و فناوری های ارتباطی، دوستی ها و ازدواج های اینترنتی و به دنبال آن افزایش آمار طلاق، تحریک پذیری جامعه به هنجار شکنی اجتماعی (مانند کشف حجاب)، تغییر دیدگاه ها و تمایل به رفتار های پارافیلیایی (اختلالات جنسی) مرتبط با بهره گیری از تلفن همراه و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای از جمله آسیب هایی است که از طریق آن، افراد و جامعه در معرض خطر قرار می گیرند. (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۹۰: ۲۹۰) در میان این همه آسیب اجتماعی رو به تزاید، نقش قانون مدنی هم از منظر پیشگیری و هم با رویکرد کنترلی در قالب ضمانت اجراهای پیش بینی شده در قانون حائز اهمیت است و باید از طریق کارکرد بازدارنده مسئولیت مدنی، اشخاص را مکلف به احتیاط و پیش بینی ضرر نمود. چالش پیش رو بدلیل متغیر بودن اصول پیشگیرانه با عنایت به اینکه نوآوری های بشر روز به روز در حال رشد است ارتقای اصول و تدابیر پیشگیرانه همزمان با افزایش این تحولات، ضرورت قرائت جدید و روزآمدی قانون مدنی است. لذا آسیب های اجتماعی نیازمند واقع گرایی است!! امروزه با تغییر ماهیت آسیب های اجتماعی در دوران پسا اینترنت نیاز است، ماهیت مداخلات نیز به منظور کاهش و رفع آسیب های اجتماعی تغییر کنند، چراکه قانون مدنی سنتی نمی تواند پاسخگوی ماهیت جدید آسیب های اجتماعی باشند. (تدین، ۱۳۹۹: ۱۳) از آن جا که پیشرفت فناوری حد و مرزی ندارد بدون تردید نمی توان برای آسیب هایی که از این ناحیه جامعه را تهدید می کند نیز حد و مرزی قائل شد؛ موید این ادعا سرعت انتقال اطلاعاتی است که در کسری از ثانیه از نقاط مختلف دنیا روی می دهد و این امر باعث گردیده که بشر به تازه های علمی جدیدی دست پیدا کند. از این رو، بروزرسانی راهکارهای پیشگیرانه از منظر قانون مدنی هم باید سرعتی مطابق با این انتقال اطلاعات داشته باشد که توازنی از این نظر برقرار گردد. تجربه نشان داده هر جایی که برای استانداردهای ایمن و پیشگیری از آسیب های اجتماعی، ضمانت اجرای متناسب برقرار شده است در بهبود اصول پیشگیرانه، موثر بوده است (Lanoie, 2020, 94) یک نظام قانونی موثر و کارآمد از جمله عواملی است که نه تنها باعث رشد و توسعه اقتصادی و غیر اقتصادی جوامع مختلف می شود؛ بلکه مهمترین عامل در کاهش آسیب های اجتماعی است؛ چرا که هدف از تصویب قانون مدنی، ساماندهی و نظم بخشیدن به روابط مالی و غیر مالی میان اشخاص در جامعه است. این هدف زمانی تامین می شود که اجرای قواعد قانونی اجباری باشند و تضمین هایی برای مخالفت با آن ها پیش بینی شود. برای اطمینان از اجرای قواعد و مقررات قانونی لازم است که تدابیر مناسبی برای عکس العمل نشان دادن جامعه در برابر تخلف از آن ها پیش بینی شود. حقوق مدنی، یکی از مهمترین شاخه های علم حقوق است که قواعد حقوقی حاکم بر روابط اشخاص را مشخص می کند. در حقوق مدنی، تعهدات اشخاص به دو دسته تعهدات قراردادی و تعهدات غیر قراردادی دسته بندی می شوند و ضمانت اجرای آن در واقع یک وسیله مستقیم یا غیر مستقیم به منظور ایجاد الزام برای انجام دادن الزامات قانونی و یا جبران خسارت وارده بر زیان دیده است؛ که اتقان در اجرای آن بستر مناسبی برای کاهش آسیب های اجتماعی فراهم می نماید. یکی از مهم ترین ضمانت اجراهای موجود در حقوق

ضمانت اجراهای مدنی (الزام به جبران خسارت) و اقدامات تامینی یا اقدامات موقت و احتیاطی است که خود به چند دسته تقسیم می‌شود اقدامات موقتی و احتیاطی قبل از نقض حق، در حین نقض حق و بعد از نقض حق هر کدام از این تضمین‌ها می‌تواند به نحوی خاص جلوه گر شود و مانع نقض گردد. نکته مهمتر و جدی تر این است که آیا ضمانت اجرای قانون مدنی می‌تواند مانع پیشگیری از آسیب های اجتماعی صاحبان قدرت گردد؟ نفوذ صاحبان قدرت بگونه ای است که تصور بر این است که مقررات دولتی همیشه در راستای پیشگیری از آسیب های اجتماعی توده وضع می‌شود. فشار و تبانی عده ای که منافع در گرو تولید بدون ضابطه دارند، سبب نفوذ در نوع تصمیم گیری نهادهای مسئول شده و باعث گردیده است که مقررات همواره نسبت به آن ها آسان گیرانه باشد (بادینی و عباسی، ۱۳۹۹: ۴۵) بسیاری از حقوقدانان بر این باورند که برای مقابله با چنین خطرات بزرگ و غیرقابل جبرانی که تعداد زیادی از مردم و حتی تمام ساکنان کره زمین و نسلهای آینده را در معرض خطر قرار داده است، نباید به امید آن بود که در صورت ورود خسارت از طریق حقوق مدنی و با رویکرد مسئولیت مدنی آن را جبران نمود، زیرا خسارات ناشی از این گونه خطرات در غالب موارد برگشت ناپذیر و با رویکرد اعاده وضع و جبران خسارات قابل جبران نیست. علیرغم تلاش برای تقویت کارکرد بازدارنده مسئولیت مدنی از طریق تحول در قواعد مرسوم آن مثل مبنای مسئولیت و گسترش مسئولیتهای محض، مسئولیت مدنی در زمینه پیشگیری و بازدارندگی، همچنان با نارسایی مواجه است و همین امر نظام های حقوقی را به مداخله حقوق عمومی از طریق وضع مقررات ایمنی وا داشته است. بعنوان نمونه؛ تحولات بشر، امروزه در عرصه بیمه مسئولیت مدنی تا آنجایی وسعت پیدا کرده است که اکنون ادعای جایگزینی و کنارزدن مسئولیت را دارند که این امر باعث رواج و گسترش اعمال بی احتیاطی و بی پروایانه بشر خواهد بود و زمینه برای تحقق بخشیدن و احساس نیاز به مسئولیت پیشگیرانه بوجود می‌آید. علیرغم نقش مثبتی که بیمه های مسئولیت مدنی در جبران خسارت ایجاد می‌کند اثر بازدارندگی را در مسئولیت کم رنگ می‌کنند. چرا که در اغلب موارد، بیمه گر جبران خسارت را بر عهده دارد و سبب می‌شود که بیمه شده، سهل انگاری و بی احتیاطی کند و رفتارش محتاطانه و آینده نگرانه نباشد (بادینی و عباسی: ۱۳۹۹، ۳۸-۳۹). به همین خاطر امروزه در بسیاری از نظامهای حقوقی، مسئولیت مدنی و مقررات ایمنی دو سازوکار اصلی برای کنترل مخاطرات ناشی از فعالیتهای خطرآفرین هستند که از نظر ماهیت و نحوه اجرا، تفاوتهای اساسی با یکدیگر دارند. جبران خسارت هرچند مهمترین هدف مسئولیت مدنی در ارتباط با زیان دیده است، اما تنها هدف نیست و در کنار این غایت اصلی، مسئولیت مدنی در بازدارندگی واردکنندگان زبان و پیشگیری از وقوع آسیب های اجتماعی در آینده نیز مؤثر است. با توجه به ماهیت واکنشی و پسینی حقوق و مسئولیت مدنی و محدودیتهای آن در تحقق پیشگیری و نیز اهمیت اقدامات کنشی (پیشینی) و پیشگیرانه، به خصوص در رابطه باحوادث فوق العاده خطرناک و حوادثی که زیان دیدگان بسیاری دارد، عدهای از صاحب نظران بر این باورند که از طرق دیگر مثل مقررات نظارتی و ایمنی، بهتر می‌توان به غایت پیشگیری نایل شد. به همین دلیل امروزه در بسیاری از نظامهای حقوقی تبلور اقدامات پیشگیرانه از طریق تدابیر حقوق عمومی و وضع مقررات ایمنی و نظارتی برای تحقق ایمنی شهروندان، به ابزاری اثربخش در کنترل فعالیتهای خطرآفرین بدل گردیده است. مقررات ایمنی ناظر بر آن دسته از قواعد حقوق عمومی است که با رویکردی حمایتی و برای تحقق اهداف مربوط به منافع عمومی، استانداردهایی را در رابطه با اخلاق حرفه ای، کیفیت و امنیت رفتار اشخاص و شرکتهای وضع می‌کنند. این مقررات می‌تواند شامل قواعد مربوط به سلامتی و امنیت در محیط کار، سلامت عمومی و حفاظت از محیط زیست، ایمنی کالاها، ایمنی راهها و حمل و نقل، برخی زمینه های حمایت از مصرف کننده ومقررات عمومی ساختمان گردد. در مقابل

مسئولیت مدنی الزام شخص به جبران زبانی است که بر اثر عمل نامشروع به دیگری وارد شده است. نظام مسئولیت مدنی دارای ماهیت خصوصی بوده و پس از وقوع زیان، از طریق کارکرد بازدارنده دعوی خسارتی که مطرح می شود، بر فعالیتهای زیان آور تأثیر می گذارد. (راسخ، ۱۳۹۶: ۸۲) درحقیقت مسئولیت مدنی با تحمیل مسئولیت هزینه های حوادث بر واردکننده زیان، در پی جلوگیری از وقوع حوادث است. در مقابل اشکال مختلف مقررات گذاری ایمنی از قبیل استانداردها و ممنوعیتهای دارای ویژگی و ماهیت عمومی هستند و از طریق الزاماتی که قبل از وقوع حادثه تحمیل می کنند، از وقوع حوادث پیشگیری می نمایند. در مقررات گذاری این وظیفه مقامات و دادگاه های اداری صلاحیت دار است که بر رعایت مقررات نظارت و رفتارهای ناقض مقررات را مجازات نمایند. اگرچه زیان دیده می تواند نقض مقررات را گزارش دهد، اما به عنوان یک قاعده، سازمان دولتی مسئول باید بدون توجه به اعلام زیان دیده، اقدامات الزم را انجام دهد. در مقابل در مسئولیت مدنی، خود زیان دیده است که باید حقوق خود را اجرا نماید. در خصوص اصل پیشگیری، به نظر می رسد در حقوق ایران، قانون عامی که به صراحت مضامین پیشگیری از آسیب های اجتماعی را به رسمیت بشناسد وجود ندارد؛ هرچند در آیین دادرسی ایران نیز نهادهایی مشابه، نظیر دستور موقت پیش بینی شده است اما صدور آن، نیازمند تحقق کلیه ارکان مسئولیت مدنی از جمله وقوع ضرر می باشد. (هداوند و مشهدی، ۱۳۹۸: ۱۶۰-۱۷۰). براساس رویکرد پیشگیرانه، حقوق مدنی در زمینه های مختلف به جای آنکه منتظر وقوع خسارت باشد به سوی پیشگیری از ایجاد خسارت گرایش می یابد و به جای اینکه همانند مسئولیت مدنی سنتی، نگاهی قهقرایی و ناظر به گذشته داشته باشد در رویکرد نوین، نگاهی مبتنی بر آینده نگری داشته و در صدد است تا از پیدایش یا تداوم خسارت در آینده جلوگیری نماید. از این رهگذر عملکرد نظام حقوقی ایران در زمینه پیشبرد مسئولیت مدنی نوین و پذیرش مسئولیت پیشگیرانه در تطبیق با سایر نظام های حقوقی چندان مطلوب نبوده و نیازمند بازنگری و اصلاح رویه موجود است (ابرنادآبادی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

۱- مفاهیم

۱-۱- مفهوم آسیب های اجتماعی

امروزه در کنار آسیب های سنتی، آسیب های جدید و خانمان سوزی مانند: روابط بین دو جنس (سایبرسکس) در فضای مجازی، اعتیاد به اینترنت، آسیب های فضای مجازی و اینترنت برای کودکان، دزدی هویت در فضای مجازی، تجاوز به حریم خصوصی از طریق فضای مجازی و فناوری های ارتباطی، دوستی ها و ازدواج های اینترنتی و به دنبال آن افزایش آمار طلاق، تحریک پذیری جامعه به هنجار شکنی اجتماعی (مانند کشف حجاب)، تغییر دیدگاه ها و تمایل به رفتار های پارافیلیایی (اختلالات جنسی) مرتبط با بهره گیری از تلفن همراه و شبکه های تلویزیونی ماهواره ای از جمله آسیب هایی است که از طریق آن، افراد و جامعه در معرض خطر قرار می گیرند. (بهرامی، ۱۴۰۰: ۳۲)

۱-۲- پیشگیری

یعنی جلوگیری و ایجاد مانع در مقابل پیدایش چیزی که برای فاعل ناخوشایند است. مانند ضرر و خطر. به عبارت دیگر، مجموعه تدابیر و آموزشهایی که هدف آن جلوگیری یا دست کم، کاهش حوادث و اعمال زینبار، از طریق فراهم کردن ابزار و وسائل مناسب، گرچه بازدارندگی از نظر وجودی نتیجه پیشگیری و احتیاط است؛ لکن از نظر مفهومی و منطقی پیشگیری و احتیاط از جهتی اعم از بازدارندگی اند؛ زیرا در حالی که بازدارندگی در مقابل اقدامات عناصر انسانی معنی دارد؛ پیشگیری و

احتیاط نسبت به حوادث طبیعی و قهری هم مصداق پیدا می‌کنند. برخی بر این باورند که پیشگیری هنگامی مطرح می‌شود که درجه احتمال وقوع امر ناخوشایند در آینده مسلم، یعنی اطمینان بخش یا قطعی باشد (ژوردن، ۱۳۹۷: ۱-۳)

۳-۱- پیشگیری غیرکیفری

این نوع پیشگیری که قبل از وقوع جرم انجام می‌گردد یعنی توسل به اقدام‌های غیرسرکوب‌گر و غیرقهرآمیز که دارای ماهیت اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، وضعی، آموزشی و غیره هستند به منظور جامعه‌پذیر و قانونگرا ساختن افراد و حفاظت از آماج‌های جرم جهت جلوگیری از وقوع جرم. پیشگیری غیرکیفری خود به دو گونه وضعی و اجتماعی تقسیم شده‌اند (موسوی مجاب، ۱۳۹۵: ۴۴)

۱-۳-۱- پیشگیری اجتماعی

«پیشگیری اجتماعی مجموعه اقدام‌های پیشگیرانه است که بر کلیه محیط‌های پیرامون فرد که در فرایند جامعه‌پذیری نقش داشته و دارای کارکرد اجتماعی هستند تاثیر می‌گذارد. این روش پیشگیری از جرم با تمرکز بر برنامه‌های تکمیلی، سعی در بهبود بهداشت زندگی خانوادگی، آموزش، مسکن، فرصت‌های شغلی و اوقات فراغت دارد تا محیطی سالم و امن ایجاد نماید.» در حقیقت پیشگیری اجتماعی «به طور مستقیم یا غیرمستقیم هدف تاثیرگذاری بر شخصیت افراد است تا از سازماندهی فعالیت خود، حول محور انگیزه‌های بزهکارانه پرهیز کنند.» (باریکلو، ۱۳۸۵: ۵۵)

۱-۳-۲- پیشگیری وضعی

پیشگیری وضعی را «اقدام پیشگیرانه معطوف به اوضاع و احوالی که جرائم ممکن است در آن وضع به وقوع بپیوندد.» تعریف کرده‌اند و هدف آن اتخاذ ترتیبی است که بهای ارتکاب عمل مجرمانه را برای مرتکب بیش از سود حاصل از آن گرداند چرا که از نظر طرفداران پیشگیری وضعی انسان موجودی حسابگر است و سود و زیان عملش را می‌سنجد. برای رسیدن به این هدف روش‌های پیشگیری وضعی در سه دسته طبقه بندی شده‌اند:

۱- روش‌هایی که کوشش و تلاش برای ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد.

۲- فنونی که ارتکاب جرم را پرخطر می‌کند.

۳- وسایلی که جذابیت موضوع جرم را کاهش می‌دهد. (ابرنده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۴۳۱)

۱-۴-۱- پیشگیری از جرم و احساس امنیت اجتماعی

پیشگیری از جرم از مباحث همیشه رایج است که هیچگاه غبار زمان به خود نخواهد گرفت زیرا طعم تلخ انحراف و کجروی در زمان و مکان‌های مختلف نظم اجتماع را مختل نموده و خواهد نمود و ارائه راهکارها و اقدامات فقط نقش کاهش تعداد و شدت و ضعف جرایم را ایفا می‌نمایند. بنابراین، امر پیشگیری و مسلح شدن جامعه به ابزار لازم متناسب با نیازهای واقعی جامعه که امر پیشگیری را تسهیل نماید از ضروریات است. لغت پیشگیری در منابع فارسی به معنای رفع، جلوگیری، مانع شدن و از پیش مانع چیزی شدن تعریف شده است. در فرهنگ لغوی لاتین نیز به معنای مانع شدن از این که چیزی رخ دهد تعریف شده است (حسینی، رحیمی، ۱۳۸۵: ۲۵۲)

پیشگیری از جرم معمولاً از طریق اجرای قانون و مجازات‌ها، کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم و برنامه‌های توسعه اجتماعی انجام می‌گیرد. اجرای قانون و اقدامات تنبیهی تلاش دارد تا فرصت‌های ارتکاب جرم را محدود کند که از طریق آموزش مؤثر و تنبیه مجرمان می‌تواند انجام شود. انواع مختلفی از برنامه‌های پیشگیری از جرم وجود دارد که با توجه به موضوع تحقیق حاضر از حوصله بحث ما خارج می‌باشند. لکن در این مقاله بحث پیشگیری غیرکیفری که با هدف پژوهش حاضر همخوانی دارد در دو طبقه کلی پیشگیری اجتماعی (پیشگیری از طریق توسعه اجتماعی) و پیشگیری وضعی مورد توجه قرار می‌گیرد. این دو نوع پیشگیری در زمره روش‌های پیشگیرانه غیرکیفری است. به طور کلی، پیشگیری غیرکیفری دارای ویژگی‌های زیر می‌باشد:

(ابرنآبادی، ۱۳۹۶: ۳۵۱)

- قبل از ارتکاب جرم پیش‌بینی و تدارک شده باشد
- ناظر بر شرایط و عوامل نوعی جرم باشد و به اتفاق و فرد خاصی بستگی نداشته باشد
- هدف انحصاری از این اقدامات تحدید وقوع جرم باشد
- از آنجایی که این اقدامات قبل از وقوع جرم مورد استفاده قرار می‌گیرند لذا باید فاقد خصیصه کیفری و قهرآمیز باشد عدم توجه به هریک از اقدامات پیشگیرانه زنگ خطر و هشدار است که خبر از وقوع جرم در آینده دارد (حسینی، رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

برنامه‌های پیشگیری از جرم مجموعه وسیعی از برنامه‌ها و فعالیت‌ها را در بخش‌های مختلف جامعه در برمی‌گیرد و هیچ نهاد خاصی نمی‌تواند مجری آن در همه ابعاد باشد بر این اساس نوعی هماهنگی بین نهادهای رسمی جامعه از یک سو و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر ضروری بنظر می‌رسد. هدف پیشگیری وضعی تحدید موقعیت‌های ارتکاب جرم است. به عبارتی دیگر، هدف این رویکرد کاهش فرصت‌های مجرمان برای ارتکاب جرم است، معمولاً از طریق طرح‌هایی مانند: اعمال قانون و مجازات‌ها و امنیت مالی و شخصییان رهیافت در وسیع‌ترین معنای خود، متضمن مساعی گسترده است برای اینکه قربانیان اجتماعی با تقلیل آسیب‌پذیریشان از راه تبدیل آنان به آماج‌های غیرقابل اصابت یا استمداد از خدمات خصوصی تأمین در برابر جرم حمایت شوند. این شیوه بهتر از آن است که روی پلیس یا روی تغییر رفتارهای بزهکاران بالقوه حساب شود.

در برنامه‌های اجتماعی پیشگیری از جرم نقش پلیس و نیروی انتظامی در ارتباط با سایر نهادها اعم از دولتی و غیر دولتی معنا پیدا می‌کند و پلیس بدون هماهنگی با سایر نهادها قادر به تأمین نظم و امنیت اجتماعی که هدف کلی پیشگیری از جرم است، نمی‌باشد. (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۸: ۱۴۰) در نهایت، می‌توان گفت: پیشگیری اجتماعی نیازمند اعتماد شهروندان به نهادهای ذی‌ربط از جمله: پلیس و سپس تعامل دو سویه میان مردم و دستگاه‌های قضایی و انتظامی است. با توجه به اینکه این موضوع از جمله بحث‌های مهم در سطح استان لرستان و شهر بروجرد بوده و توجه خاصی از طرف مسؤولان به ویژه نیروی انتظامی به این مسأله شده است، فرضیات تحقیق در جامعه آماری تعیین شده با استفاده از پرسشنامه به آزمون گذاشته شد تا به سنجش نظر مردم در مورد برخی راهکارهای پیشگیری‌کننده از جرم برای ارتقای سطح امنیت و ارائه راهکارهایی برای جلوگیری از ناامنی بپردازیم.

۱-۵- مفهوم ضمانت اجرای مدنی

ضمانت از نظر لغوی به معنای تعهد و تقبل است. این ضمانت، ابزار مناسبی است که اجرای بی‌کم و کاست قواعد قانونی و حقوقی را تضمین می‌کند. ضمانت در واقع وجه تمایز قواعد حقوقی از سایر قواعد اجتماعی تلقی شده و عاملی است که باعث

مقید شدن ناقضان قانون می‌شود. همانگونه که گفتیم، ضمانت اجرا در واقع کیفر و مجازاتی است که قانونگذار برای عدم رعایت قانون پیش بینی می‌کند. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشته باشیم که علم حقوق در یک دسته بندی کلی به حقوق خصوصی و حقوق کیفری تقسیم می‌شود. حقوق خصوصی، یکی از مهمترین شاخه‌های علم حقوق است که قواعد حقوقی حاکم بر روابط اشخاص را مشخص می‌کند. در حقوق خصوصی، تعهدات اشخاص به دو دسته تعهدات قراردادی و تعهدات غیر قراردادی دسته بندی می‌شوند. منظور از تعهدات قراردادی، هر تعهدی است که منشاء ایجاد آن توافق میان اشخاص باشد. برای مثال، تعهدات خریدار و فروشنده از نوع تعهدات قراردادی است زیرا این تعهدات به واسطه توافق میان آن‌ها مشخص می‌شود. از سوی دیگر، منظور از تعهدات غیر قراردادی، هر تعهدی است که توافق میان اشخاص در ایجاد آن تاثیری ندارد. مانند زمانی که شخصی در اثر سهل انگاری باعث ورود خسارت به شخص دیگری می‌شود. در این مثال، تعهد و مسئولیت مقصر نسبت به جبران خسارات وارد شده به دیگری، از نوع تعهدات غیر قراردادی است. به عبارت دیگر، منشا و مبنای به وجود آمدن تعهدات غیر قراردادی، توافق میان اشخاص نیست. (امیری، ۱۳۸۵: ۱۵۰)

قانونگذار، عوامل و شرایطی که باعث ایجاد تعهدات غیر قراردادی می‌شوند را در قانون مسئولیت مدنی مشخص کرده است. بنابراین، می‌توان گفت که ضمانت اجرا در حقوق مدنی، تعهدات قراردادی و تعهدات غیر قراردادی را شامل می‌شود. رسیدگی به ضمانت اجرا در حقوق مدنی نیز باید مطابق با قوانین و تشریفات قانون آیین داری مدنی انجام شود و در صلاحیت دادگاه‌های حقوقی است. (حسینی، رحیمی، ۱۳۸۵: ۱۴۲)

۱-۵-۱- ضمانت اجرای قراردادی

ضمانت در اصطلاح به حمایت مراجع رسمی در اعمال قانون معنا می‌شود. برای اطمینان از اجرای قواعد و مقررات قانونی لازم است که تدابیر مناسبی برای عکس العمل نشان دادن جامعه در برابر تخلف از آن‌ها پیش بینی شود. ضمانت اجرا در واقع یک وسیله مستقیم یا غیر مستقیم به منظور ایجاد الزام برای انجام دادن الزامات قانونی و یا جبران خسارت وارده بر زیان دیده است. در اصطلاح به ضمانتی که در یک قرارداد و به منظور انجام بی کم و کاست آن پیش بینی شده است، وجه التزام می‌گویند. وجه التزام در واقع، مبلغی است که در قرارداد به عنوان جریمه تعیین می‌شود. مطابق این شرط، هر یک از طرفین قرارداد که به تعهدات خود عمل نکند باید مبلغ وجه التزام را تحت عنوان جریمه پرداخت کند. (مظفری و دیگران، ۱۳۹۶: ۶۳)

شروط ضمن عقد به تعهداتی فرعی گفته می‌شود که طرفین قرارداد در خصوص اجرای آن‌ها با یکدیگر توافق می‌کنند. ضمانت اجرایی شروط ضمن عقد نیز می‌تواند در قالب وجه التزام تعیین شود. باید بگوییم، ضمانت اجرایی شروط ضمن عقد در صورتی موضوعیت پیدا می‌کند که یکی از طرفین قرارداد بدون آنکه عذر موجهی داشته باشد از اجرای تعهدات خود خودداری کند.

۲- بنیان های نظری

۱-۲- هیرشی و کنترل اجتماعی قانون

تراویس هیرشی (متولد ۱۵ آوریل ۱۹۵۵) یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان کنترل اجتماعی است، وی اقدامات ارزشمندی را در طول چند دهه‌ی گذشته در عرصه‌ی جرم‌شناسی به انجام رسانده است. او یک نظریه پرداز کلاسیک است، و در طول حیات علمی خود، دو نمونه از نظریه‌ی کنترل را به وجود آورده است. نخستین روایت او از نظریه‌ی کنترل که در سال ۱۹۶۹ در کتاب علل بزهکاری ارائه شد، خاستگاه نظریه‌ی کنترل بزهکاری مبتنی بر این فرض است که اعمال بزهکارانه زمانی اتفاق

می‌افتد که پیوند یا اتصال فرد با جامعه ضعیف یا شکسته می‌شود. (مک شین، ۱۳۹۷: ۹۹) هیرشی معتقد بود که برای بزهکار شدن فرد نیازی به عوامل انگیزشی نیست؛ تنها عامل مورد نیاز، فقدان کنترل است که به فرد این آزادی را می‌دهد که فواید جرم را نسبت به هزینه‌های آن عمل بزهکارانه سبک - سنگین کند. فرضیه اصلی این نظریه ارضاء نشدنی بودن ماهیت انسان است. دیدگاه نظارت اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه ای سعی می‌کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. (گیدنز، ۱۳۹۶: ۸۸) هیرشی که مهم‌ترین پایه گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد. او بر این اعتقاد است که کجرفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می‌شوند: امیل دورکیم معتقد است که میزان محدود کج رفتاری برای جامعه مفید و کار ساز است. چرا که وجود کج رفتار برای مشخص کردن رفتار مجاز ضروری است، یعنی وقتی جامعه دزدان و سائیرین را از طریق مجازات های منفی رسمی و غیر رسمی بدنام و بی آبرو می‌کند، کاری بیش از تنبیه نیست. بناء وجود کج رفتاری بدنام از یک سو، سندی است که شکست نظام کنترل اجتماعی را اعلام می‌کند، اما از سوی دیگر سعی در بازداشتن دیگران از انحراف داشته، تقویت هنجارها را موجب می‌شود.

این مسئله بیشتر به سالهای ۱۹۵۰ که حکومت امریکا در جنگ سرد بر علیه شوروی احتیاج به همبستگی ملی بر علیه کمونیستها و تایید مردم داشت بهترین راه را برای متهم کردن عده ای از افراد معمولی و بعضی مسئولان دید قابل صدق است.

۱- حذف هنجارهایی که مستمراً شکسته می‌شوند. به این وسیله این رفتارها دیگر کج رفتاری محسوب نخواهند شد
 ۲- از بین برن علل کج رفتاری، از طریق آسان تر کردن هم نوایی و رنج آورتر کردن تخلف. دیدگاه سی رایت میلز در مورد برخورد با مسایل اجتماعی سی رایت میمز معتقد است که باید در برخورد با مسائل اجتماعی بین "گرفتاریهای شخصی" و مشکلات عمومی فرق عمده ای قائل شد. گرفتاری های شخصی محدود و مشخص اند. اما مشکلات عمومی از حد فردی فراتر رفته، به ارزشهای اجتماعی ای که کلیه کلیه اعضای جامعه را تحت تاثیر قراردهند مربوط می‌شوند. (گیدنز، ۱۳۹۶: ۱۲۴)

میلز مثالهای دیگر را در خصوص اعمال و روش کلی و عمومی در مورد مسائلی چون بیکاری، و متلاشی شدن خانواده ارائه میدهد. بطور مثال میگوید اگر در یک شهر صد هزار نفر بیکار باشد این مشکل شخصی و خصوصی است که میشود آنرا با خصوصیات فرد بررسی کرد. دیدگاه ویلیام رایان در مورد کنترل اجتماعی ویلیام رایان مفاهیم میلز را به صورت دیگری تعبیر کرده است، او صحبت از دیدگاه استثنایی در مقابل دیدگاه کلی می‌کند. در نظریه کنترل اجتماعی فرض اصلی در این نظریه آن است که هم چنانکه فروید گفته، افراد به طور طبیعی تمایل به کجرفتاری دارند و اگر تحت کنترل قرار نگیرند، چنین می‌کنند و کج رفتاری اشخاص بیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است. نظریه کنترل اجتماعی، کج رفتاری را نتیجه نبود نظارت اجتماعی می‌داند. به عبارت دیگر، این نظریه اعتقاد دارد که کج رفتاری را نتیجه نبود نظارت اجتماعی می‌داند. به عبارت دیگر، این نظریه اعتقاد دارد که کج رفتاری اشخاص پیش از آنکه ناشی از نیروهای محرک به سوی نابهنجاری باشد، محصول عدم ممانعت است. (ریترز، ۱۳۹۶: ۳۲۹) هیرشی به عنوان مهمترین نظریه پرداز این مکتب، موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می‌سازد و معتقد است که کج رفتاری زمانی واقع می‌شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد هیرشی چهار جزء اصلی پیوند شخص با جامعه را که مانع کجرفتاری می‌شود را بیان کرده است که - تعهد افراد در جامعه به منظور دستیابی به اهداف و کسب منزلت و حسن شهرت، وقت و انرژی خود را صرف می‌کنند. - درگیری بیشتر افراد در طول زندگی روزمره خود زمان و انرژی محدودی دارند. - درگیری در امور زندگی روزمره به

وقت زیادی نیاز دارد و خود باعث محدود شدن رفتار می‌شود. - هیرشی معتقد است که میزان اعتقاد افراد به هنجارهای اجتماعی و رعایت قوانین متفاوت است. هر چه اعتقادات افراد ضعیف‌تر باشد، بیشتر احتمال دارد که هنجارشکنی کنند دورکهایم از نخستین کسانی بود که به ارتباط جرم با جامعه توجه کرد وی به « وجدان یا شعور جمعی» اشاره می‌کند و معتقد بودند هر عملی که وجدان جمعی را جریحه دار کند جرم نام دارد و جامعه به صورت مجازات به آن واکنش نشان می‌دهد. برای درک وجدان جمعی باید به محیط توجه کرد. به عقیده دورکهایم نه تنها جرم پدیده ای غیر طبیعی نیست بلکه عامل سلامت اجتماع است و هر جامعه ای همواره دارای شمار معینی از منحرفان است و انحراف هم پدیده ای طبیعی تلقی می‌شود. ایشان جامعه بدون بزه و بزهکاری را جامعه غیر طبیعی می‌داند به این دلیل که مرزهای اخلاقی مبهمی وجود دارد که معلوم نیست کدام عمل مجاز است و کدام عمل تائید نشده و غیر مجاز، که با ارتکاب جرم و میزان واکنش نسبت به آن می‌توان به ماهیت آن پی برد و مردم هم از این به بعد می‌دانند که چه کاری را می‌توانند انجام دهند و چه کاری را نمی‌توانند. (تدین، ۱۳۹۹: ۲۱۸)

۳- نقش ضمانت اجراهای قانون مدنی در پیشگیری از آسیب های اجتماعی

۳-۱- جایگاه قانون اسلامی در پیشگیری

مهم ترین کارکرد قانون ایجاد نظم و پایان دادن به تعارضات اجتماعی است. در واقع، جامعه محل ظهور تصادفات، تزاخات و تعارض منافع است و این قانون است که تعارضات را حنثی می‌کند. کارکرد دیگر قانون، صیانت از آزادی های فردی است که هر چند این آزادی ها بوسیله قانون تضییق می‌شود لکن اگر قانون نباشد، بشر آزادی های فردی خود را تا حد زیادی از دست خواهد داد. در اسلام، دین منبع و در موارد بسیاری (یعنی احکام فقهی) عین قانون است.

قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۱۳ می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ»؛ یعنی مردم (در آغاز) یک دسته بودند؛ (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال (خداوند، پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود؛ تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند، داوری کند. گرانیگاه قانون اسلامی «عدالت» است. قرآن مجید در سوره حدید آیه ۲۵ می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ یعنی ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. حدید/۲۵)

تبدیل عدالت به گرانیگاه قانون اسلامی موجب می‌شود، قانون در هیچ موردی (مگر در موارد خطا در وضع قانون یا انطباق قانون بر مصداق) به کسی ظلم نکند، آزادی های حقیقی کسی را سلب نکند و یا باب شکوفایی استعداد فردی را نبندد. در نقطه مقابل قانون اسلامی، گرانیگاه قانون سکولار در جوامع مدرن، آزادی فردی و منافع اجتماعی است که هرچند ظاهر زیبایی دارد لکن در موارد بسیاری به دلیل غلبه آزادی فردی بر منافع عمومی یا عدم تشخیص حقیقی منافع و مصالح عمومی، با عدالت در تعارض است و تولید ظلم و بی عدالتی می‌کند.

۳-۲- جایگاه پیشگیری در قانون مدنی

در قوانین موجود قانون گذار فاعل یا مسبب را ضامن جبران خسارات زیان‌دیده دانسته است. به عنوان مثال: ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر داشته: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتنی یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای دیگری ایجاد گردیده لطمه ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می باشد». صدر ماده ۳۲۸ قانون مدنی در باب اتلاف مقرر می‌دارد: «هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آن است...»، صدر ماده ۳۳۱ قانون مدنی در باب تسبیب مقرر می‌دارد: «هر کس سبب تلف مالی بشود باید مثل یا قیمت آن را بدهد...» و ماده ۳۳۳ قانون مدنی: «صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد میشود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک، مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است». الزام به جبران خسارات زیان‌دیده توسط عامل یا مسبب ورود زیان باعث می شود در آینده عامل ورود زیان و اشخاصی که قصد ایراد خسارت دارند از این کار منع شوند. به گونه‌های که یکی از علت‌های مسئولیت مدنی ناشی از ورود زیان به متوفا برای عامل زیان را اطمینان دادن به زندگان است که جسم شان پس از مرگ نیز مورد احترام خواهد بود (مظفری و میرشکاری، ۱۳۹۶). همچنین این الزام باعث دقت بیشتر در رفتار اجتماعی انسانها شده و اشخاص سعی میکنند اعمالشان را ایمن تر انجام دهند تا در نتیجه آن خسارتی به دیگران وارد نشود تا اینکه مجبور به جبران آن باشند. در کنار این نوع پیشگیری که از ارباب ناشی از جبران خسارت حاصل میشود و مربوط به مرحله بعد از ایراد خسارت و ناظر بر رفتار اشخاص بوده و کاملاً در اختیار وارد کننده زیان یا اشخاصی است که ممکن است در آینده مرتکب خسارت شوند، امروزه بر مبنای قواعد فقهی و حقوقی بیان شده در قبل لزوم وجود قاعده پیشگیری از مسئولیت خارج از قرارداد مشهود است. نهاد پیشگیری از مسئولیت خارج از قرارداد ناظر بر مدیریت جامعه قبل از وقوع حادثه زیانبار است. نوعی ابزار مستقل از ارباب موجود در لزوم جبران خسارت است. ارباب نهفته در قاعده جبران خسارت وابسته به جبران است. اگر جبران نباشد ارباب هم نیست یا اثر ضعیفی خواهد داشت. در نتیجه اگر جامعه ابزاری در اختیار داشته باشد که افراد را از ایراد خسارت منع کند و آنها را ملزم نماید به گونه ای اقدام نمایند که اقدام آنها باعث پیشگیری برای دیگران بشود، این ابزار مناسبتر از جبران و ارباب بعدی خواهد بود. این ابزار شناسایی قاعده پیشگیری از مسئولیت خارج از قرارداد است و بایستی به گونه ای باشد که اعمال افراد بدون رعایت مقررات پیشگیری فاقد اثر حقوقی بوده یا امکان الزام اشخاص بر لزوم اقدامات پیشگیرانه توسط نهادهای قانونی یا اشخاص ذینفع فراهم باشد و حتی در مواردی که نمیتوان تقصیری به شخص نسبت داد، عدم پیشگیری مقدمه‌های برای مسئولیت باشد. منابع حقوق ایران با این قاعده بیگانه نیست و پاره‌های از قوانین هرچند به صورت ضمنی و پراکنده بر لزوم پیشگیری از مسئولیت خارج از قرارداد اشاره نموده اند» ۱- برای پیشگیری از تخریب جنگل و مرتع، سازمان جنگلها و مراتع گارد مخصوصی به نام «گارد جنگل» تشکیل داده است. وظیفه این گارد حفظ و حراست از مناطق جنگلی و مرتعی کشور است. همچنین دفتر فنی جنگلداری در این خصوص اقداماتی برای دفع آفات و اطفای حریق و پیشگیری از آتش سوزی در جنگل انجام میدهد. از جمله اقدامات پیشگیرانه ممنوعیتی است که برای اشتغال به برخی از فعالیتهای به وجود آمده است. برای مثال ماده ۴۹ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع استفاده از کوره زغال در جنگل را منوط به داشتن پروانه از سازمان دانسته است. تبصره این ماده به سازمان اجازه تخریب کوره‌های زغال بدون پروانه را داده است.» (تقی زاده انصاری، ۱۳۸۷: ۵۴) ماده ۱ قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع نیز یکی از وظایف سازمان محیط زیست را پیشگیری از خسارات زیست محیطی دانسته است ۲- در قانون کار قانونگذار پیشگیری را به عنوان نهادی

مستقل از مسئولیت مدنی شناسایی کرده است. مقررات مربوط به بهداشت و ایمنی محیط، شرایط کار زنان و کودکان و مجازاتهایی که در این موارد در نظر گرفته شده همه بیانگر شناسایی مستقل نهاد پیشگیری است. به عنوان مثال ماده ۸۸ مقرر داشته: «اشخاص حقیقی یا حقوقی که به ساخت یا ورود و عرضه ماشین می پردازند مکلف به رعایت موارد ایمنی و حفاظت مناسب می باشند.» در تکمیل این ماده، ماده ۸۹ کارفرمایان را پیش از به ربهرداری از ماشینها، دستگاهها، ابزار و لوازم خاص، مکلف به آزمایشهای لازم نموده است. در نهایت در ماده ۱۷۷ علاوه بر الزام به رفع تخلف، کارفرمایان متخلف را قابل مجازات دانسته است. در این مقررات قانون گذار علیرغم شناسایی مستقل پیشگیری، برای تارکین آن مجازاتهایی در نظر گرفته است. - ۳ بند ۷ ماده ۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۷۴ در بیان اهداف و خطی مشی این قانون به صراحت مؤید مفهوم پیشگیری است: «وضع مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی و اجرا و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحذات عمومی و حفظ و افزایش بهره وری منابع مواد و انرژی و سرمایههای ملی ۴- مواد ۷ و ۹ قانون ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران و اصل ۵۰ قانون اساسی به صورت تلویحی آن را پذیرفته اند (ایزنلو و اسدی، ۱۳۹۸: ۴۱۰).

۳-۳- نقش ضمانت اجراهای مدنی در جلوگیری از نقض حقوق مالکیت فکری

یکی از مهم ترین مسائلی که در علم حقوق علی الخصوص در حقوق مالکیت فکری مورد بحث و بررسی قرار می گیرد، بحث ضمانت اجرامی باشد. به طوری که وجود ضمانت اجرا برای هر قاعده حقوقی میتواند متمایزکننده قاعده حقوقی از قاعده اخلاقی باشد و حتی به جریت می توان گفت که قاعده ای که فاقد ضمانت اجرا باشد را نمی توان قاعده حقوقی تلقی کرد. در تعریف ضمانت اجرا می توان گفت که ضمانت اجرا، عکس العمل قانونگذار در برابر نقض یک قاعده قانونی و لازم الاجرا می باشد. مبحث ضمانت اجرا در حوزه حقوق مالکیت فکری از این نظر اهمیت دارد که اولاً ضمانت اجرا نقض حقوق مالکیت فکری نقش مهم و اساسی در توسعه و پیشرفت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی یک کشور دارد چرا که در صورت فقدان ضمانت اجرا در مقابل نقض حقوق مالکیت فکری، انگیزه ای برای مولفان و مخترعان در جهت ایجاد و توسعه آثار فکری اشان باقی نمی ماند. ثانیاً در بسیاری از موارد جذب سرمایه گذاری های خارجی، قوانین کارآمد و ضمانت اجراهای قوی را می طلبد. ثالثاً پیش شرط ورود به برخی از سازمان های بین المللی وجود کامل و ضمانت اجراهای متناسب می باشد. و اما در این راستا ضمانت اجراهای مدنی از اهمیت دوچندانی برخوردار است چرا که در بسیاری از موارد هدف از نقض حقوق مالکیت فکری کسب منافع مادی و مالی می باشد و لذا وجود ضمانت اجراهای کافی به منظور جبران خسارت ناشی از نقض میتواند موثرتر از ضمانت اجراهای دیگر باشد چرا که هم انگیزه مرتکب مبنی بر کسب سود و منفعت مالی را خنثی می کند و هم ضرر و زیان های وارده به صاحب اثر را جبران می کند. اصولاً ضمانت اجراهای نقض حقوق مالکیت فکری به چهار دسته تقسیم می شود که عبارتست از ضمانت اجراهای مدنی، کیفری، اداری و گمرکی. هدف از ضمانت اجرای مدنی، جبران ضرر و زیان وارده به مالک اثر می باشد. و توسل به ضمانت اجراهای کیفری نیز اغلب در مواردی است که نقض حقوق مالکیت فکری منجر به ورود صدمه به نظم عمومی جامعه می شود. ضمانت اجرای اداری نیز مبتنی بر اعمال تدابیر مدنی و کیفری از سوی مقام اداری است. و در نهایت اینکه توسل به ضمانت اجراهای گمرکی در مواردی است که تجاوز به حقوق مالکیت فکری در حد وسیع و از طریق مرز صورت میگیرد. برخی از نویسندگان معتقدند که ضمانت اجراهای نقض حقوق مالکیت فکری به دو دسته عمده تقسیم می شود. دسته اول شامل اقدامات حفاظتی و احتیاطی موقت است ناظر بر نحوه جلوگیری از ضرر ناشی از تجاوز است که این اقدامات

ممکن است از طریق صدور دستور موقت مبنی بر منع انجام هر گونه عمل تجاوزکارانه باشد یا این که از طریق توقیف نسخه های تهیه شده باشد. و اما دسته دوم که ناظر بر چگونگی جبران خسارت وارده به حقوق پدید آورنده می باشد. با اندکی تامل می توان دریافت که اقدامات دسته اول را نمی توان در زمره ضمانت اجراهای مدنی نقض حقوق مالکیت فکری دانست چرا که ضمانت اجرای مدنی اغلب ناظر بر نحوه ی جبران خسارت و مسوولیت مدنی نقض حقوق مالکیت فکری است و اتخاذ اقدامات احتیاطی مبنی بر جلوگیری از نقض حقوق مالکیت فکری را نمی توان ضمانت اجرای مدنی نقض حقوق مالکیت فکری تلقی کرد. (داراب پور، ۱۳۸۷: ۱۲۰)

۴- متدهای پیشگیری در قانون مدنی

۴-۱- پیشگیری ناظر بر مسئولیت شخص

پیشگیری از مسئولیت گاهی ناظر بر رفتار شخص است. در این مورد هدف از پیشگیری این است که اشخاص با انجام اقدامات یا ترک افعالی از ایراد خسارت به دیگری پیشگیری نمایند. مانند الزامات پیشگیرانه ای که در قانون کار برای کارفرمایان وضع شده است. عدم رعایت مقررات پیشگیرانه در این خصوص باعث ایراد خسارت به دیگران و در نهایت مسئولیت شخص است. در مقابل اگر اشخاص مقررات و الزامات پیشگیری از خسارت خارج از قرارداد را رعایت نمایند به واسطه وارد نشدن خسارت مسئولیتی هم برای این اشخاص ایجاد نمی شود. هرچند نتیجه این نوع از پیشگیری جلوگیری از ورود زیان و خسارت به دیگران است، ولی هدف آن پیشگیری از مسئولیت شخصی است که اقدامات پیشگیرانه را رعایت می کند. (صفایی، ۱۳۹۷: ۸۲)

۴-۲- پیشگیری ناظر بر مسئولیت دیگران

این اقدامات پیشگیرانه باعث پیشگیری از ایراد خسارت توسط دیگرانی میشود که در معرض مسئولیت میباشند. به این معنی که شخصی که پیشگیری میکند در صورت وقوع خسارت مسئول جبران نیست، بلکه مسئول شخص دیگری است. نتیجه پیشگیری این شخص و هدف از آن پیشگیری از مسئولیت شخص دیگر است. مانند طراحی محل مناسب برای مکانها و ساختمانهای مورد استفاده عموم از قبیل پارکها، مراکز خرید، جایگاه پمپ بنزین و ... به گونه‌ای که باعث ایراد خسارت کمتر برای استفاده کننده‌ها باشد. نصب و قراردادن مصالح در بنا به گونه‌ای که کمتر باعث سقوط شود. جلوگیری از نسب وسایل خطرناک در محل تردد مانند پُل عابری که در برخورد با آن عابرین مصدوم میشوند و یا اینکه باعث تشدید مصدومیت میشود. طراحی محیط شهری به گونه‌ای که ایمنتر باشد. مثال قانونی از پیشگیری ناظر به غیر بند ۷ ماده ۲ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب ۱۳۷۴/۱۲/۲۲ است که در بیان اهداف و خطی مشی این قانون مقرر میدارد: «وضع مقررات ملی ساختمان به منظور اطمینان از ایمنی، بهداشت، بهره دهی مناسب، آسایش و صرفه اقتصادی و اجرا و کنترل آن در جهت حمایت از مردم به عنوان بهره برداران از ساختمانها و فضاهای شهری و ابنیه و مستحذات عمومی و حفظ و افزایش بهره وری منابع مواد و انرژی و سرمایه های ملی». در این موارد پیشگیری به این خاطر ناظر به غیر است که مباشر اصلی و سازنده در زمان وقوع خسارت متصرف، مالک یا متصدی کالا یا محلّ موجب خسارت نیست و اقدامات پیشگیرانه او باعث می شود مالک یا کسی که در آینده کالا را تحویل می گیرد، به واسطه ایمنی، کمتر در معرض مسئولیت باشد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۱۳۹)

۵- چالش های قانون مدنی در پیشگیری و کنترل اجتماعی

پذیرش پیشگیری در مسئولیت مدنی با چالش هایی در عرصه عمل، مواجه است که در ذیل به آن اشاره میکنیم. نخست؛ متغیر بودن اصول پیشگیرانه با عنایت به اینکه نوآوری های بشر روز به روز در حال رشد است ارتقای اصول و تدابیر پیشگیرانه همزمان با افزایش این تحولات، ضروری به نظر می رسد. شاید اشخاصی که مجوز فعالیت را می گیرند عرف درنگ اول، این گونه در مورد آن ها قضاوت کند که چون مجوز فعالیت دارند حداقل در آن بازه زمانی که اجازه فعالیت داده شده است نتوان ایرادی بر فعالیت دارنده مجوز گرفت. با عنایت به اینکه امروزه سرعت انتقال اطلاعات در کسری از ثانیه از نقاط مختلف دنیا روی می دهد و این امر باعث گردیده که بشر به تازه های علمی جدیدی دست پیدا کند. از این رو، بروزسانی راهکارهای پیشگیرانه هم باید سرعتی مطابق با این انتقال اطلاعات داشته باشد که توازی از این نظر برقرار گردد. ثانیاً؛ نفوذ صاحبان قدرت تصور بر این است که مقررات دولتی همیشه در راستای منافع عموم وضع می شود. اما واقعیت همیشه اینگونه نیست. فشار وتبانی عده ای که منافع در گرو تولید بدون ضابطه دارند، سبب نفوذ در نوع تصمیم گیری نهادهای مسئول شده و باعث گردیده است که مقررات همواره نسبت به آن ها آسان گیرانه باشد (بادینی و عباسی، ۱۳۸۱: ۴۵).

ثالثاً؛ نقض علم بشر، که تشخیص خطرهای ناشی از علم توسط خود علم مورد ارزیابی قرار می گیرد در واقع، در صورت رعایت جوانب پیشگیرانه با ارزیابی علمی مجدد، مهر تأییدی بر یافته های گذشته خواهد بود. اگر ابهام راجع به ایمنی در ارتباط فناوری وجود داشته باشد بایستی محدود یا منع گردد. خصلت بشر تکامل تدریجی است و علم بشر هرچند افق های درخشانی در جهت رفاه عمومی درنور دیده است ولی همیشه نسبت به آینده خود دار ای نقایصی بوده و خواهد بود. همانگونه که در بحث بیماری کرونا این امر برای نسل حاضر، ملموس بود که هر روز نحوه برخورد با این بیماری، پروتکل های بهداشتی جدیدی را می طلبید. در ارتباط با اصول پیشگیرانه و نقض های علوم نیز باید گفت که عاقل آن است که اندیشه کند پایان راه، لذا اعتماد به اصول پیشگیرانه و به کار بستن آنها می تواند اقدامی در جهت جبران این نقایص علم بشر باشد. بدین شرح تا نسبت به ایمن بودن مقولات خسارت زا یقین حاصل نگردد در جهت جلوگیری از ورود خسارت، می بایست محتاطانه عمل شود. در ارتباط با خطراتی که منجر به خسارت بالقوه می گردد همواره باید با علم روز با آن ها برخورد کرد هرچند که مطمئناً همچنان کامل نخواهد بود. پیشرفت های بشر در علوم مختلف بر کسی پوشیده نیست ولی نقاط مبهم آن هر روز با مطالعات بیشتر کشف می گردد و نقض علم بشر را بیشتر نمایان می کند. از این رو، نمی توان حتی با آخرین علم روز هم برای موارد غیر قابل جبران با یقین، نسخه پیچید. رابعاً، بیمه های مسئولیت. تحولات بشر، امروزه در عرصه بیمه مسئولیت مدنی تا آنجایی وسعت پیدا کرده است که اکنون ادعای جایگزینی و کنارزدن مسئولیت را دارند که این امر باعث رواج و گسترش اعمال بی احتیاطی و بی پروایانه بشر خواهد بود و زمینه برای تحقق بخشیدن و احساس نیاز به مسئولیت پیشگیرانه بوجود می آید. علیرغم نقش مثبتی که بیمه های مسئولیت مدنی در جبران خسارت ایجاد می کند اثر بازدارندگی را در مسئولیت کم رنگ می کنند. چرا که در اغلب موارد، بیمه گر جبران خسارت را بر عهده دارد و سبب می شود که بیمه شده، سهل انگاری و بی احتیاطی کند و رفتارش محتاطانه و آینده نگرانه نباشد (بادینی و عباسی: ۱۳۸۱، ۳۸-۳۹). تجربه نشان داده هر جایی که برای استانداردهای ایمن و پیشگیرانه، ضمانت اجرایی متناسب برقرار شده است در بهبود اصول پیشگیرانه، موثر بوده است.

خامساً؛ نسخه واحد برای درمان دردهای متفاوت؛ مقررات پیشگیرانه نیازمند آن است که قواعد انعطافپذیری را نسبت به موارد مختلف داشته باشیم. نسخه واحد را نمی توان به موارد مختلف تعمیم داد. اگر اصول پیشگیرانه متناسب، رعایت نگردد و زیان،

حادث شود در صورتی می توان ناقض اصول پیشگیرانه را به خاطر عدم رعایت پیش گیری بازخواست نمود که خسارت ایجاد می ناشی از عدم رعایت این اصول باشد؛ در غیر این صورت، ناقض این مقررات پیشگیرانه، مسئول نخواهد بود. به عنوان نمونه در دعوی گریس علیه اسکات در انگلیس، خواهان، حیوانات خود را به یک کشتی، جهت جابجایی سپرد ولی کشتی، فاقد کانتینر مخصوص، جهت جابجایی بود. در مسیر حمل به دلیل شرایط نامساعد جوی و وقوع طوفان، حیوانات به داخل دریا افتادند. خواهان، مدعی شد اصول ایمنی و پیشگیرانه رعایت نشده است اما دادگاه، دعوی خواهان را رد نمود؛ چرا که این دادگاه معتقد بود وجود کانتینر، تنها برای جلوگیری از شیوع بیماری در بین حیوانات بوده است و مانعی برای جلوگیری از تلف شدن حیوانات به علت طوفان محسوب نمی شود. (امیری، ۱۳۸۵: ۹۷)

سادسا؛ دیرپا بودن نتایج زیان بار؛ دیرپا بودن آثار برخی از پسماندها سبب می شود ایجاد رابطه سببیت با مشکل مواجه گردد و از طرف دیگر غیر قابل جبران بودن خیلی از خسارت ها باعث گردیده که در کنار مسئولیت جبرانگر و اعاده کننده، نیاز به مسئولیت پیشگیرانه به وجود آید. در بعضی موارد، اثرات فعالیت های مخرب و زیان آور وقتی نمایانگر می شود که مدت طولانی از انجام فعالیت گذشته است و دیگر خبری از عامل ورود خسارت وجود ندارد. همین خصیصه دیرپا بودن برخی از پسماندها، باعث گردیده زیان دیده، انگیزه لازم برای مطرح کردن چنین موضوعاتی را نداشته باشد (کاتوزیان و انصاری، ۱۳۸۷: ۲۹۰). چرا که دستیابی به نتیجه مطلوب را برای خود امری محال و دست نیافتنی می داند. کشف رابطه سببیت در این گونه موارد بسیار دشوار و در برخی مواقع امری کاملاً بوده و هر شخصی توان اثبات آن را تخصصی نخواهد داشت.

بر اساس رویکرد پیشگیرانه، حقوق مدنی در زمینه های مختلف به جای آنکه منتظر وقوع خسارت باشد به سوی پیشگیری از ایجاد خسارت گرایش می یابد و به جای اینکه همانند مسئولیت مدنی سنتی، نگاهی قهقراپی و ناظر به گذشته داشته باشد در رویکرد نوین، نگاهی مبتنی بر آینده نگری داشته و در صدد است تا از پیدایش یا تداوم خسارت در آینده جلوگیری نماید. اساساً، مسئولیت مدنی دولت از مباحث نوین در حقوق اداری ایران است و پذیرش مسئولیت مدنی پیشگیرانه برای دولت نیز با کاستی-هایی از حیث مقررات موجود روبه رو است. نتایج حاصل از بررسی نشان می دهد با رعایت پاره ای از اصول اساسی مسئولیت مدنی پیشگیرانه، همچنان فضای مناسبی جهت تحقق کامل این رویکرد نوین وجود دارد که می تواند مرزهای محدود مسئولیت مدنی سنتی را درنوریده و ضمن پیشگیری، از ایجاد خسارت به شکل جدی تر نیز جلوگیری نماید. البته به رسمیت شناختن مسئولیت مدنی پیشگیرانه دولت مستلزم اصلاح قوانین موجود است. به نظر می رسد در حقوق ایران نیز مشابه حقوق فرانسه، قانون عامی که به صراحت دعوی پیشگیرانه را به رسمیت بشناسد وجود ندارد. هر چند در آیین دادرسی ایران نیز نهادهایی مشابه، نظیر دستور موقت پیش بینی شده است اما صدور آن، نیازمند تحقق کلیه ارکان مسئولیت مدنی از جمله وقوع ضرر می باشد. البته برخلاف رویه قضایی فرانسه، گرایش رویه قضایی ایران در حوزه مسئولیت مدنی، غالباً معطوف به گذشته بوده و بحث از ارکان مسئولیت مدنی از جمله وقوع ضرر، دلالت بر عدم تمایل به پذیرش مسئولیت پیشگیرانه دارد. به همین دلیل آرای بسیار محدودی در حوزه پذیرش تدابیر پیشگیرانه وجود دارد که بیشتر جنبه نظارتی داشته و خارج از نظام مسئولیت مدنی و درحوزه حقوق اداری وضع شده است. همچنین همانطور که بیان شد در حقوق انگلستان، آمریکا و کانادا به منظور پیشگیری از وقوع ضرر آینده، نهادی تحت عنوان دستور منع پیش بینی شده است که مانند دستور موقت، جنبه تبعی نداشته و خواهان مکلف به طرح دعوی اصلی، ظرف مهلت مقرر نمی باشد، بلکه نهاد دستور منع به عنوان دعوی مستقلی در مواردی که زیان دیده احتمالی در معرض خطر قریب الوقوع قرار گرفته است به رسمیت شناخته شده است. از این

رهگذر عملکرد نظام حقوقی ایران در زمینه پیشبرد مسئولیت مدنی ن وین و پذیرش مسئولیت پیشگیرانه در تطبیق با سایر نظام های حقوقی چندان مطلوب نبوده و نیازمند بازنگری و اصلاح رویه موجود است. (املی، ۱۳۸۸: ۱۳۱).

نتیجه گیری

هدف اولیه از شناسایی این قاعده، پیشگیری از زیان و خسارت است. نتیجه شناسایی قانون مدنی، پیشگیری از آسیب های اجتماعی است. به حکم این قاعده اشخاص در رفتار اجتماعی خود ملزم می شوند نوعی رفتار نمایند که پیشگیری لازم را نسبت به ورود زیان و خسارت به دیگران داشته باشند. اعم از اینکه در مواردی که خودشان عمل منتهی به خسارت را انجام میدهند و یا محیط منجر به خسارت را تدارک می بینند ملزم هستند با رعایت قواعد پیشگیری از وقوع خسارت بپرهیزند، و یا اگر شیئی را تولید نموده و یا بنایی را می سازند که در آینده دیگران از آن بهره برداری می کنند ملزم هستند به نوعی عمل ساخت و تولید را انجام دهند که شیء و یا کالای ساخته شده منشأ خسارت نباشد. نتیجه چنین حکمی پیشگیری از ورود زیان به دیگران در آینده می باشد. در نتیجه شناسایی این حکم، هم زیان به شخصی وارد نمی شود و هم به واسطه وارد نشدن زیان استفاده کننده ملزم به جبران خسارت نیست.

نتیجه دوم شناسایی قاعده پیشگیری از منظر قانون مدنی، الزم به پیشگیری است. در مواقعی که اشخاص ملزم به پیشگیری بوده و آن را انجام نداده اند با استناد به این قاعده می توان آنها را ملزم نمود که مقررات و قواعد پیشگیری را رعایت نمایند. پیشگیری از حقوق مدنی به واسطه اهمیتی که بر جامعه و فعالیت اشخاص دارد، می تواند مشمول قواعد حقوق عمومی بوده و الزام به آن، هم از طرف نهادهای عمومی پذیرفته شود و هم از طرف اشخاص ذینفع. در مواقعی که اشخاصی که بایستی پیشگیری نمایند از انجام اقدامات لازم استنکاف نمایند می توان آنها را ملزم به آن نمود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابرندآبادی، علی حسین؛ (۱۳۹۶). تقریرات جرم شناسی، به کوشش شهرام ابراهیمی، قشم: دانشگاه آزاد اسلامی جزوه ی تقریری دوره ی دکتری.
۲. ایزانلو، محسن، اسدی، زهرا ۱۳۹۸، ش، «مطالعه تطبیقی کارکرد های دوگانه اصل احتیاط در مسئولیت مدنی»، مطالعات حقوق تطبیقی، دوره، ۱۰ ش ۲.
۳. املی، زهرا نوو اگلیز ۱۳۸۸، ش، «اصل احتیاط به مثابه ذهنیت و نشانه ای از نیاز انسان پست مدرن»، دو فصلنامه فلسفی شناخت، دوره، ۲ ش.
۴. امیری، قائم مقام، عبدالمجید ۱۳۸۵، ش، حقوق تعهدات، تهران، نشر میزان، چ. ۵.
۵. امینی، عیسی؛ و محمدی نژاد، سمیرا (۱۳۹۱). نقش تقصیر در مسئولیت مدنی و مقایسه آن با حقوق کامن لا. تحقیقات حقوقی آزاد، ۵، ۱۸

۶. بادینی، حسن ۱۳۸۹، ش، «نگرش انتقادی به معیار «انسان معقول و متعارف» برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی» فصلنامه حقوق، دوره، ۴۰ ش .
۷. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۵) مسئولیت مدنی چ ا تهران: نشر میزان
۸. بهرامی احمدی، حمید (۱۴۰۰) حقوق مدنی (۴) مسئولیت مدنی، ج ۱، نشر میزان تهران
۹. تقی زاده انصاری، مصطفی (۱۳۸۷). حقوق محیط زیست در ایران. تهران: انتشارات سمت، چاپ دوم. جباری، منصور؛ و شعاریان، ابراهیم (۱۳۸۸). مسوولیت مدنی پلیس در نقض وظیفه مراقبت. دانش انتظامی، ۱۱ (۳) (مسلسل ۴۴)، ۲.
۱۰. حسینی سیستانی سید علی (۱۴۱۴ ق.)، قاعده لاضرر و لاضرار، قم، مکتب آیة الله العظمی سینی
۱۱. داراب پوره مهرباب (۱۳۸۷) مسئولیتهای خارج از قرارداد ج ۱ تهران انتشارات مجد.
۱۲. زرکلام ستار (۱۳۹۷)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، تهران، ج ۱، انتشارات سمت
۱۳. ژوردن پاتریس (۱۳۹۹) اصول مسئولیت مدنی ترجمه و تحقیق مجید ادیب تهران نشر میزان
۱۴. صادقی، حسین (۱۳۹۸) مسئولیت مدنی در ارتباطات الکترونیک، ج ۱، تهران نشر میزان
۱۵. حسینی، سید حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد، تهران. سمت
۱۶. حسینی، مینا، (۱۳۹۸)، «رعایت حقوق مصرف کنندگان در تبلیغات و بازاریابی تولیدات دارویی و بهداشتی، مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، ش ۶.
۱۷. صفایی سید حسین (۱۳۹۷)، حقوق مدنی و حقوق تطبیقی تهران نشر میزان، ج ۲.
۱۸. طباطبانی بودی سید محمد کاظم (۱۳۹۴)، حاشیة المکاسب چاپ سنگی، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان
۱۹. چلیپی، مسعود، (۱۳۹۵) جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران، نشر نی، چاپ اول
۲۰. راسخ، محمد، (۱۳۹۶) بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران،
۲۱. ریتزر جرج، (۱۳۹۳) نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، نشر علمی،
۲۲. ژوردن، پاتریس ۱۳۹۷، ش، حقوق مسئولیت مدنی و پارادیم های جدید آن (نشست علمی)، کانون وکالی داگستری اصفهان.
۲۳. ساعی، احمد، امنیت ملی در جهان سوم، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۴، ۱۳۸۴.
۲۴. کاتوزیان، امیر ناصر، (۱۳۸۷) عدالت قضایی، نشر دادگستر، تهران.
۲۵. کاتوزیان، ناصر ۱۳۷۸، ش، الزامهای خارج از قرارداد، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲.
۲۶. گیدنز، آنتونی، (۱۳۹۶) جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۲۷. تدین، عباس، (۱۳۹۹) کنترل اجتماعی جرم و واکنش های اجتماعی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۸. مک شین، ماری لین دی، (۱۳۹۷) نظریه های جرم شناسی، مترجم ملک محمدی، حمید رضا، تهران، ناشر میزان.
۲۹. گسن، ریموند، مقدمه ای بر جرم شناسی، ترجمه مهدی کی نیا، تهران، نشر مترجم، ۱۳۷۰
۳۰. مظلومان، رضا؛ (۱۳۸۰) جرم شناسی کلیات، تهران، نشر دانشگاه تهران، شاهنشاهی
۳۱. مظفری، خدیجه و میرشکاری، عباس (۱۳۹۶). مسئولیت مدنی ناشی از ورود زیان بدنی به متوفی. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۲ (۴۷)، ۳۷۸.
۳۲. موسوی مجاب، سید درید؛ (۱۳۹۲) جزوه جامعه شناسی کیفری، قم، مرکز تخصصی حقوق و قضای اسلامی،